

عوامل ومؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حاکمیت اسلام بارویکردی به آثار استاد شهید مطهری رَحِمَهُ اللهُ

دکتر محمد جواد رودگر *

چکیده:

شناخت فلسفه حاکمیت اسلام و رازشناسی موفقیت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک ضرورت عقلی، تاریخی و اجتماعی است و پاسخ به ریشه‌ها و علت‌های توفیق گسترش اسلام و ادراک مؤلفه‌های اسلام خواهی و موج فزاینده اسلام‌گرایی در صدر اسلام در حقیقت با رهیافتی تاریخی - فلسفی ممکن و نوعی سیره‌شناسی جامع (اعم از سیره معرفتی - معنویتی یا فکری - اخلاقی و سیاسی - اجتماعی) پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد.

مقاله حاضر با این رویکرد نوشته شده و مؤلفه‌ها را در دو محور نظری و عملی و مبتنی بر شأن و شخصیت نبوی اصطیاد و استخراج نموده و بر ارکان چهارگانه: عقلانیت، معنویت، حریت و عدالت تکیه و تأکید داشته و مؤلفه‌هایی چون: پیام خدا و تدبیر و رهبری پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مبنای ریشه‌هایی چون: حسن خلق و رفتارهای مهرورزانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آگاهی به زمان و مکان، صبر و بصیرت، ترابط و تعامل مثبت با ادیان و مذاهب، برخورد شایسته با نسل جوان، فروتنی و تواضع، خلوص، صداقت و صراحت، اصول‌گرایی در رفتارهای فردی و اجتماعی، پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات عصری با شرح صدر و عقل و برهان، ابلاغ پیام هدایت و سعادت خدا به عقل و دل انسان‌ها، تربیت یاران بصیر و مجاهد و برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه آنان، برنامه ریزی همه‌جانبه برای پیشبرد اسلام، ایمان و استقامت ورزی در راه هدف و الگوی عملی اسلام ناب شدن و... و از دلایل موفقیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حاکمیت اسلام می‌داند که به صورت مجمل و معطوف به آرا و نظریات استاد شهید مطهری رَحِمَهُ اللهُ، تقریر و تحریر شده است.

امید است پیامبرشناسی و شناخت سیره عقیدتی، تربیتی - اخلاقی و عدالت، سرمشق و الگویی برای فکر و فعل، قول و قلم و قدم عالمان دینی و پرچم‌داران عرصه تبلیغ و تعمیق معرفت اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی برای همگان به خصوص نسل جوان جامعه باشد.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

کلید واژه‌ها:

حاکمیت اسلام، موج اسلام‌گرایی، مرگ طبیعی و اختراعی، تحلیل علمی - فلسفی تاریخ، مقامات علمی - اجتماعی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جاذبه‌های شخصیتی - رفتاری پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

مقدمه:

شناخت تاریخ صدر اسلام منبعی معرفت بخش در شناخت اسلام یا «اسلام‌شناسی» از منظر تاریخی و با رویکردی پدیدارشناسانه است. چه این‌که بررسی تحلیلی - توصیفی و سپس انتقادی - تطبیقی حدوث و بقا و ظهور و حضور فرهنگ و تمدن اسلامی با ادیان و مکاتب الهی الحدوث و بشری الحدوث، یعنی ادیان ابراهیمی چون: یهودیت و مسیحیت (الهی الحدوث) و ادیان و مکاتب هندویی از برهمائیسم و بودیسم (بشری الحدوث) تا مکاتب نوین و عصر جدید از جمله مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، لیبرالیسم (بشری الحدوث) به یقین ما را در معرفت فراگیر نسبت به اسلام و کارکردهای تاریخی آن و پیامبری‌شناسی و پیامبرشناسی (نبوت و نبی‌شناسی) کمک شایانی نموده و نقاط قوت و ضعف و آفات محتوایی و قالبی و آسیب‌های نظری و عملی جامعه اسلامی را نیز روشن خواهد نمود تا بهتر مورد شناخت و نقد و تأویل قرار گیرد و در حقیقت می‌تواند از حیث متدولوژیک روش‌شناسان و اپستمولوژیک یا معرفت‌شناسانه بصیرت به تکوین و تکامل و تولد و توسعه اسلام در آئینه تاریخ صدر اسلام، دلایل و ریشه‌های پیدایی و پایایی و چگونگی و چرایی پیدایش و گسترش «اسلام ناب» را فراروی ارباب الباب و اصحاب تحقیق و تفکر قرار دهد؛ زیرا به تعبیر استاد شهید مطهری رَحِمَهُ اللهُ: «مسئله گسترش سریع اسلام یکی از مسایل مهم تاریخی جهان است». (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۷۱).

و البته مهم‌تر از نگاه به تاریخ صدر اسلام در اصطیاد و استخراج علت‌ها و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گسترش و حاکمیت اسلام، روش و رویکردهای نگاه تاریخی موضوع مورد نظر است؛ زیرا دست‌کم سه روش و نگاه به تاریخ صدر اسلام وجود دارد:

الف) روش نقلی و گزارشی که تنها به نقل حوادث حادثه و وقایع واقعه می‌پردازد بدون آن‌که ربط حوادث به هم و ریشه‌های وقایع اتفاقیه را بررسی نماید که البته روش ناقص و ناکارآمدی است؛ زیرا توان ریشه‌یابی حوادث و جرح و تعدیل نقل‌های متهافت تاریخی و نقد مسایل و شباهت‌ها را ندارد؛

ب) روش علمی - تحلیلی که البته کامل‌تر و کارآمدتر از روش نقلی است؛ زیرا به تحلیل داده‌های

تاریخی و ارتباط حوادث در بستر زمان و مکان می‌پردازد و در نقد و تأویل وقایع تاریخی نیز کارگشاست؛

ج) روش فلسفی یا نگاه فیلسوفانه (فلسفه تاریخی) به تاریخ صدر اسلام، که امتیازات روش‌های اول و دوم را دارا بوده و از ویژگی‌ها و امتیازات خاص خود نیز برخوردار است؛ زیرا دلایل و ریشه‌های حوادث تاریخی، ارتباط آنها با هم، قوانین و سنت‌های حاکم بر وقایع تاریخی، مراحل تطوری و تکاملی، ریشه‌های قوت و ضعف، دلایل پیروزی و شکست و در نهایت، سیر قانون‌مند تاریخ و غلبه امواج فرهنگ و تمدن اسلامی بر امواج متعدد و تکثر فرهنگ و تمدن‌های موجود در «عرض، طول و عمق» را به طور دقیق مورد پژوهش و کاوش قرار می‌دهد.

چنین رویکرد و روشی در استخراج و تبیین عوامل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حاکمیت اسلام مطلوب خواهد بود؛ زیرا «جهان در عصر بعثت» گرفتار خلأ تئوریک در تفسیر همه جانبه و عقلانی - معنوی هستی یا هستی‌شناسی فراگیر و فاقد یک جهان بینی تمام عیار و ایدئولوژی کارآمد بوده است که «امیت» (به معنای معرفتی - معنوی) دنیای دوران بعثت آخرین فرستاده الهی و پیدایش کامل‌ترین دین توحیدی را فراگرفته بود و مقوله «ایمان به خدا» (جهان بینی الهی)، جهاد با مال و جان برای رسیدن به سعادت و سرور و سروری (ایدئولوژی حیات بخش) و آزادی اندیشه و تفکر و آزادی و حریت‌های فردی و اجتماعی (آزادی درونی و بیرونی) از نیازهای اصیل، فطری و جاودانه انسان بوده، هست و خواهد بود و «اسلام» به عنوان جامع‌ره‌آورد همه بعثت‌ها و رسالت‌ها و نبوت‌ها ظهور کرد تا نیازهای عقلانی، جسمانی و تربیتی - روحانی آدمیان را پاسخ دهد و در سه ساحت: معرفتی (عقلی)، معنوی (قلبی) و شریعتی (قالبی) که عقاید، اخلاق و اعمال انسان را تحت پوشش هدایتی خویش قرار می‌دهد، آموزه‌ها و گزاره‌های کامل، کلی، عقلانی، فطرت‌پذیر، روح بخش، حرارت زا، حرکت آفرین و مسئولیت‌آور را عرضه کرد.

استاد شهید مطهری پس از بررسی اجمالی «خاصیت ذاتی امواج»، به دو نوع مرگ اشاره می‌نماید: الف) مرگ طبیعی امواج که در اثر وسعت و گسترش و بیشتر شدن فاصله محیط و مرکز و از سوی دیگر کاسته شدن قوت و شدت طول آنها و ضعف تدریجی تا رهسپار شدن به دنیای عدم به وجود می‌آید؛ ب) مرگ اخترامی که در اثر برخورد امواج با یک‌دیگر و خنثی شدن موج ضعیف‌تر به وجود می‌آید و در حقیقت برخورد با موانع و عوامل قوی‌تر عامل دیگری برای نابود شدن امواج و حوادث و پدیده‌های جهان است. سپس می‌گوید: «آری، برخی از امواج اجتماعی زنده‌اند. امواج زنده

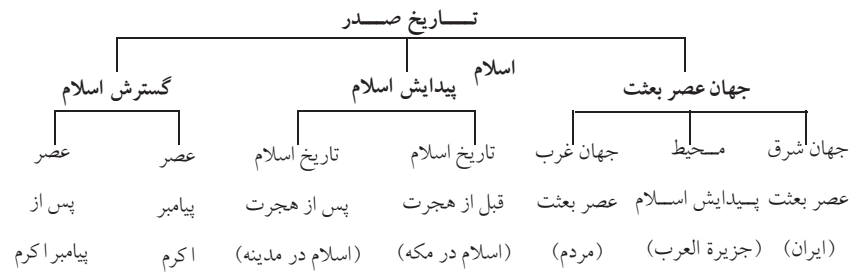
همان‌هاست که از «جوهر حیات» سرچشمه می‌گیرد، مسیرشان حیات و جهتشان رقاء و تکامل است... زنده‌ترین امواج اجتماعی، امواج و جنبش‌های دینی است. پیوند این امواج و این نهضت‌ها با جوهر حیات و فطرت زندگی از هر چیز دیگر اصیل‌تر است. در هیچ حرکت و در هیچ موج دیگر این اندازه نیروی حیاتی و قدرت رشد و بالندگی وجود ندارد.

تاریخ اسلام، از این نظر سخت آموزنده و تکان دهنده است. اسلام در ابتدا به صورت یک موج بسیار کوچکی پدید آمد. آن روز که حضرت محمد بن عبدالله (ص) از کوه حرا به زیر آمد در حالی که دنیای درونش دگرگون شده بود و با (دنیای) غیب و ملکوت اتصال یافته و از فیوضات الهی لبریز شده بود و فریاد برآورد: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» این موج شروع شد؛ برخلاف هزاران امواج پر سر و صدا و پر دبدبه جهان، در روزهای اول از چهار دیوار خانه‌ای که تنها سه تن: محمد (ص) و خدیجه (ع) و علی (ع) را در بر می‌گرفت تجاوز نکرد. اندکی طول نکشید که به سایر خانه‌های مکه سرایت کرد. پس از حدود ده سال به خارج مکه بالخصوص مدینه کشیده شد و در مدت کمی به سایر نقاط جزیره العرب امتداد یافت و در کمتر از نیم قرن دامنه‌اش سراسر جهان متمدن آن روز را گرفت و آوایش به همه گوش‌ها رسید.

این موج - همان طور که خاصیت موج‌های زنده است - به موازات این‌که رو به وسعت و گسترش نهاد، بر قوت و قدرت و طول خویش افزود. هیچ دین، آیین، مسلک و نهضتی را نمی‌توان یافت که در طول این چهارده قرن تحت تأثیر اسلام قرار نگرفته باشد، و هیچ نقطه متمدن را نمی‌توان پیدا کرد که در آن‌جا اسلام نفوذ نکرده باشد. امروز نیز پس از چهارده قرن و در آغاز پانزدهمین قرن بعثت، بشر شاهد وسعت تدریجی و قوت و قدرت روز افزون آن است.» (پیشین، ص ۳۴-۳۲).

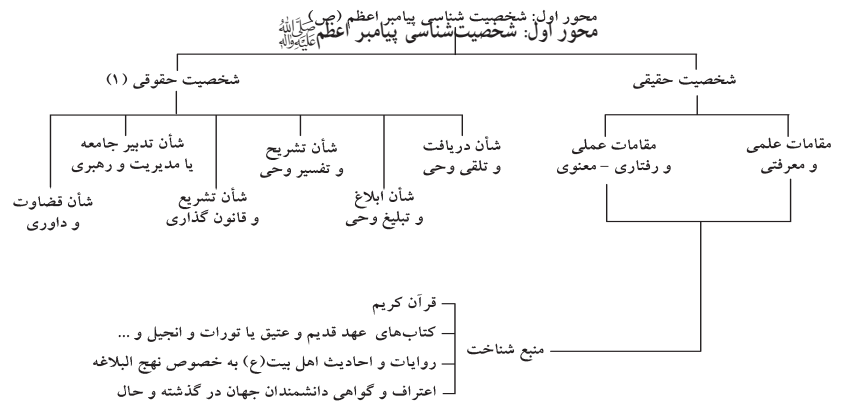
آری، رهیافت فلسفی به تاریخ صدر اسلام و مطالعه عقلائی - تطبیقی امواج متفاوت و مختلف فرهنگی، فکری، علمی و تمدنی قرون متمادی از حدوث اسلام تا به امروز در جهان شرق و غرب و غلبه و قوت «فرهنگ و تمدن اسلامی» را می‌توان با شناخت تاریخ و جغرافیای فرهنگ و تمدن اسلامی در ابعاد مختلف به دست آورد و پیشرفت «تدریجی و طبیعی» بینش‌ها و گرایش‌های اسلامی در قرون اولیه تا پنجم و سپس بیداری فزاینده جهان اسلام و موج اسلام‌گرایی رو به تزاید قرن معاصر قابل تأمل فراوان است.

ما در این مقاله با توجه به تاریخ صدر اسلام طبق نمودار ذیل به بررسی ریشه‌ها و دلایل موفقیت پیامبر اعظم (ص) در حاکمیت اسلام می‌پردازیم.



البته «تاریخ اسلام» به معنای بررسی حوادث و وقایع تاریخی در دوران پیدایی اسلام و سرنوشت آن در مکه و مدینه مورد نظر ما نیست بلکه هدف ما بررسی ریشه‌ها و دلایل موفقیت با توجه به چنین مراحل و شرایط تاریخی است و این که چگونه و چرا اسلام که از غربت آغاز شد توانست به تدریج تمام سرزمین جزیره العرب و سپس روم و ایران را که غرب و شرق جغرافیایی آن روز بوده است تحت تأثیر و حاکمیت ایدئولوژیک و فرهنگی قرار داده و بسیاری از سرزمین‌های مربوطه را نیز مدیریت نماید. و حتی نهضت‌های عظیم فرهنگی - علمی ایجاد کرده و جهان و جغرافیای فرهنگی، دینی و سیاسی قرون متمادی را به خود معطوف ساخته و متحول گرداند.

ناگفته نماند بررسی دلایل و ریشه‌های پیشرفت و پسرفت و ترقی و ارتجاع فرهنگ و تمدن اسلامی از حیث درونی و بیرونی یا دلایل پیشرفت و عقب ماندگی فرهنگ و تمدن اسلامی در طی قرون متمادی و پاسخ به سؤال‌های ما چه بودیم، چه هستیم، و چه باید باشیم، موضوع، موضع و موقع دیگری را می‌طلبد و چنان‌که بیان شد، در این تحقیق تنها مؤلفه‌ها و عناصر موفقیت و کارآمدی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در گسترش و حاکمیت اسلام مدنظر می‌باشد که ابتدا ساختار آن در دو محور کلان و کلی ترسیم گردیده و سپس پیرامون برخی از مؤلفه‌های مطرح شده توضیحاتی ارائه خواهد شد.



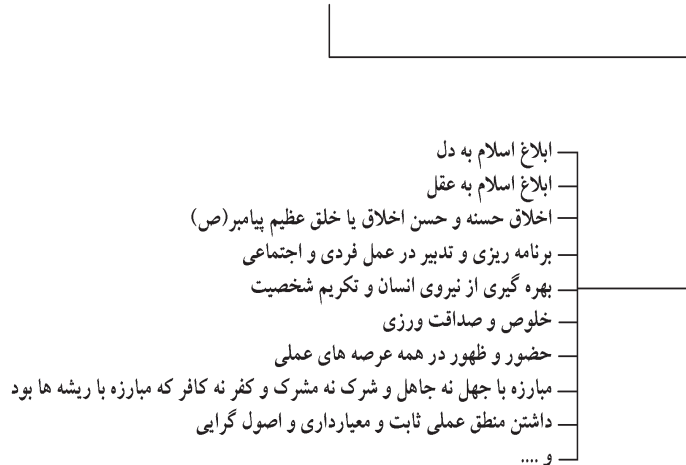
۱- پیشین، ص ۱۴۶-۱۴۳ و ج ۲۳، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵-۱۲۰.

محور دوم: درون مایه‌های اسلام و مجاهدتهای مدیرانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 الف) درون مایه‌ها یا خاصیت ذاتی اسلام که ویژگی‌های خود مکتب اسلام ناب است؛
 ب) روش‌ها و برنامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیشبرد اسلام.

الف) درون مایه‌ها و مؤلفه‌های ذاتی اسلام ناب(۱)



ب) روشها و برنامه‌های پیامبر اکرم(ص) در پیشبرد اسلام که مؤلفه‌های موفقیتش نیز بوده اند(۲)



۱- پیشین، ج ۳، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹-۱۶۹؛ ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۵؛ خاتمیت، ص ۱۷۰-۱۶۳ و اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۳۹-۵۳ و ج ۲، ص ۱۴-۲۰.
 ۲- مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۳۲-۶۵ و ۱۷۳.

با توجه به محورهای یاد شده (با فروض و شعب گوناگون آن) اسلام فراگیر شد و عقل و دل انسان رادر عصر رسول اکرم ﷺ به تدریج به دست گرفت و از غربت به درآمد. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«نیرومندترین و مجهزترین مخالفان اسلام در طول این چهارده قرن، مسیحیان بوده‌اند. هنگامی که به تاریخچهٔ داوری این رقیب نیرومند می‌نگریم می‌بینیم دوره به دوره به سوی انصاف گراییده است و این خود از طرفی نشانهٔ وجدان جهانی است و از طرف دیگر نشانهٔ «حقیقت اسلام» است.

موجی چنان زنده که فرهنگ‌های جهان را در خود جذب، و عقل‌های نیرومند متفکران و فلاسفه و دانشمندان را در پیشگاه خود خاضع، و انصاف دشمن را برانگیزد و پیوسته در حال رشد و نمو باشد تا آن‌جا که در حدود هفتصد میلیون [آمار آن زمان] جمعیت بشری را در پیشگاه خود خاضع نماید، جز این‌که از صمیم «وحی» سرچشمه بگیرد و پیام خدای بشر برای بشر باشد و برای نجات بشر رسیده باشد چیز دیگری نمی‌تواند باشد. موجی که از دماغ یک بشر برخیزد، نمی‌تواند این اندازه خاصیت و اثر داشته باشد.

راستی حیرت آور نیست که مردی «امی» و درس نخوانده از میان مردمی بی سواد (امیون) و در سرزمینی که جز جهل و فساد و خودخواهی و خودپرستی اثری در آن نیست، بپاخیزد و نهضتی چنین مبارک و میمون و پر ثمر ایجاد نماید؟! (پیشین، ص ۳۶-۳۵). هم‌چنین در جایی دیگر می‌گوید: «اسلام فوق العاده سریع پیشرفت کرده است...» (پیشین، ص ۱۷۲). و اینک به تبیین علت‌ها و ریشه‌های گسترش معجزه آسای اسلام می‌پردازیم و ابتدا آن را از طریق نمودار نشان می‌دهیم:

علت‌های پیشرفت اسلام^۱

<p>شخصیت، خلق و خوی و نوع رهبری و مدیریت رسول اکرم ﷺ</p>	<p>جاذبه‌ها و زیبایی‌های قرآن کریم از نظر محتوا و قالب درونی و برونی</p>
--	--

ناگفته پیداست که فعلاً بحث بر محور خود «قرآن کریم» و ویژگی‌های محتوایی و شکلی و مکانیسم معرفت‌شناختی آن نیست بلکه همهٔ اهتمام ما بررسی شخصیت خود پیامبر اکرم ﷺ از «نظر حقوقی» یا کارکردهای پیامبر اکرم ﷺ در تبلیغ، تعمیق، توسعه و تکامل بخشی فرهنگ و تمدن اسلامی است که می‌توان در یک نمودار اجمالی مجموعهٔ مؤلفه‌ها و عامل موفقیت و کارآمدی پیامبر اعظم ﷺ را در حاکمیت اسلام چنین نشان داد. البته مدعی احصا و استقرای کامل مؤلفه‌ها و علت‌ها نیستیم بلکه عوامل مهم آن را برشمرده‌ایم.

۱- پیشین، ص ۱۷۳.

علل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم (ص) در حاکمیت اسلام (۱)



حدیث دیگران

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران و اینک با توجه به غنای پیام اسلام و موفقیت‌تدبیری و روش پیامبر اسلام در ترویج و توسعه فرهنگ، معارف و آموزه‌های اسلامی و تأسیس تمدن نوین بر پایه «وحی» و «عقل»، لازم است اعترافاتی از بزرگان جامعه و تاریخ را جهت اطلاع خوانندگان ذکر نماییم:

لئون تولستوی (Laontolastoy):

«جای هیچ‌گونه شبهه و تردید نیست که پیامبر اسلام از بزرگ‌ترین مصلحان دنیاست. آن هم مصلحی که به جامعه بشریت خدمات شایانی کرده است و این فخر و مباهات برای او بس است که یک ملت خون‌ریز و وحشی را از چنگال اهریمنان و عادات زشت و شیعی برهانید و راه ترقی را بر

۱- پیشین، ص ۳۵-۴۰ و ۱۷۵-۱۷۳.

۲- پیشین، ص ۱۷۸-۱۷۳.

۳- پیشین.

۴- پیشین.

روی آنان باز کرد و حال آن که هر مرد عادی نمی‌تواند به چنین کار شگرفی اقدام کند و نتیجه بگیرد. بنابراین شخص شخیص پیامبر اسلام، سزاوار همه گونه احترام و اکرام است. شریعت پیامبر اسلام به علت توافق آن با عقل و حکمت در آینده عالم گیر خواهد شد.» (نامه امین، دومین ویژه‌نامه سال پیامبر اعظم ﷺ، روزنامه جام جم، ص ۴).

کارل مارکس (Carlmarks):

«محمد ﷺ مردی بود که از میان مردمی بت پرست با اراده آهنین برخاست و آنان را به یگانه پرستی دعوت کرد و در دل‌های ایشان جاودانی روح و روان را بکاشت. بنابراین او را نه تنها باید در ردیف مردان بزرگ و برجسته تاریخ شمرد بلکه سزاوار است که به پیامبری او اعتراف کنیم و از دل و جان بگوییم که او پیامبر خدا بوده است.» (پیشین).

هوبرت ویل (Hobratwel):

«محمد ﷺ، ۶۰۰ سال پس از مسیح ظهور کرد و بانیروی خدایی که داشت، توانست تمام اوهام را برطرف سازد و بت پرستی را براندازد و چون مردی درست کردار، راست‌گو و بی آرایش بود، مردم به او لقب امین داده بودند. لهجه صادق و عزم استواری داشت و با همین مزایا توانست گمراهان را به راه راست هدایت کند.» (پیشین).

اکنون با توجه به مسایل و محورهای پیش گفته، به صورت خلاصه به برخی از علت‌ها و مؤلفه‌های معرفتی و رفتاری پیامبر اعظم ﷺ در پیشبرد اسلام و حاکمیت‌بخشی به فرهنگ و ارزش‌های وحیانی، اشاره می‌کنیم:

۱. ایمان به خدا و هدف: پیامبر اعظم ﷺ در بالاترین مرتبه «ایمان به خدا» و هدف مقدس خود قرار داشت. دو آیه در قرآن شاهد بر این مدعاست: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...» (بقره/۲۸۵) و «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف/۱۰۸) که دو عنصر بصیرت و درک دینی و ایمان و درد دینی و التزام عملی به ره آورد «وحی» را برای پیامبر اکرم ﷺ مطرح نموده است، که «امن الرسول» به مقوله ایمان، درد و التزام عملی دین و «علی بصیرة انا» به بصیرت، درک و معرفت دینی در «انسان کامل» و واسطه ابلاغ پیام خدا به انسان در مرتبه‌ای عالی دلالت می‌نماید و از سوی دیگر، «وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَكُتِبَ عَلَيْهِ وَرُسُلِهِ» (بقره/۲۸۵) بر ایمان و باورداشت‌های پیروان راستین رسول خدا ﷺ و «من اتبعنی» (یوسف/۱۰۸) نیز بر معرفت اسلامی، بصیرت دینی و فهم عمیق آموزه‌های نبوی از سوی تبعیت‌کنندگان و رهروان حقیقی پیامبر اعظم ﷺ دلالت می‌نماید، تا به این حقیقت تابنده جاودان رهنمون گردد که پیامبر اسلام از آن جایی که خود معرفت و

محبت، ایمان و عمل، بصیرت و التزام عملی، درک و درد دینی یا عقلانیت علمی و عملی به دین در دریای وجودش متموج بود همان را به امت خویش و به خصوص یاران و اصحابش تزریق و القا می فرمود؛ زیرا دین داری بدون درک دینی و ایمان بدون معرفت دینی، توان بقا و استمرار و قرار گرفتن در چالش های روزگار و حوادث سنگین تقابل با کفار و مشرکان و نفاق اندیشان و منافق سیرتان از یک سو و انگیزه و اندیشه های متحجرانه و واپس گرایانه یا افراط و تفریط در گفتار و رفتار ظاهرگرایان را از سوی دیگر ندارد.

آری! «ایمان به خدا» را پیامبر اعظم در همه جریان های تلخ و شیرین، جنگ و صلح، تحریم اقتصادی و ترور شخصیتی، فشارهای اجتماعی و سیاسی و... محکم و استوار نگه داشت و هدف داری در تمامی مراحل بعثت چه قبل از هجرت و چه پس از هجرت و فراز و فرودهای شگرف و شگفت زای مکه و مدینه او را ثابت قدم، شاداب و پر نشاط و در عین حال هوشیار و با تدبیر قرار داد. شناخت دقیق هدف و باور به آن، عامل بسیار مؤثری بود که پیامبر اسلام ﷺ استوار و بدون هیچ ترس و وحشت یا انفعال و سستی به پیش رود و این عنصر شخصیتی و مؤلفه وجودی پیامبر، به یارانش قدرت و قوت درونی و امید به آینده روشن می داد و دشمن را مأیوس، سردرگم و مردد در برخورد و مقابله با نهضت الهی - توحیدی او می نمود.

تنها ایمان به خدا و ایمان به هدف بود که عامل تحمل شکنجه های روحی و فیزیکی و مبنای شکیبایی و شرح صدر پیامبر و یارانش می گشت تا با برنامه ریزی و تدبیر در خانه و خیابان، در سرا و صحرا، در خلوت و جلوت و در سختی و راحتی دست از ابلاغ پیام الهی و سروش غیبی به مردم و مبارزه با جهل، کفر، شرک و نفاق برندارد و مصداق بارز آیه «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود/۱۱۲) (ر.ک: مطهری، وحی و نبوت، ص ۱۴۳-۱۴۲؛ سیری در سیره نبوی، ص ۱۳۸-۱۳۶؛ پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۰۴-۱۰۳) باشد. پیامبر ﷺ در جریان تهدید و تطمیع سران مشرک قریش و پیغام فرستادن از طریق حضرت ابوطالب، فرمود: «والله لو وضعوا الشمس في يميني والقمر في يساري، على ان اترك هذا الامر حتى يظهره الله او اهلك فيه ما تركته» (ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۳) که این امر حکایت از استقامت و رزوی و استواری وی در راه هدف عالی توحیدی اش دارد.

۲. عقلانیت در دعوت دینی و پرهیز از خشونت: پیامبر اکرم ﷺ در دعوت مردم به اسلام اصالت را به عقل داده و در جهت شکفتن استعداد های عقلانی انسان و رشد و بالندگی فکری آنها کوشید؛ چه این که «ایمان» بر «اجبار» قرار نگرفته و استواری نمی یابد و «خدا» را نمی توان در ویرانی های «جهل» جست و جو کرد بلکه ایمان با عقل و خدا در آبادی های علم و معرفت

دست‌یافتنی است و اسلام بر عقل و علم و تفقه و بصیرت پایه‌ریزی شده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵)؛ زیرا آدمیان استعدادها و ظرفیت‌های متفاوت و توان‌مندی‌های مختلفی دارند؛ برخی با «حکمت و برهان»، برخی با «موعظه حسنه» و عده‌ای با «جدال احسن» قابلیت هدایت دارند؛ از این رو اسلام باب آزادی اندیشه و تفکر و اعتقاد و ایمان مبتنی بر عقلانیت و معرفت را باز کرد و پیامبر ﷺ با عوام‌زدگی، بدعت‌های دینی، قشری‌گری، جمود و جهالت دینی مبارزه کرد.

داستان مرگ ابراهیم و خورشید گرفتگی و شایعه همدردی آسمان و زمین با پیامبر در مرگ فرزندش و سپس برخورد صریح، سریع و شفاف پیامبر اکرم ﷺ با این روحیه عوام‌گرایی و سطحی‌نگری (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ۱۱۰-۱۰۱) و یا داستان افراط و تفریط برخی یاران پیامبر و برخورد حضرت با آنها چون، مانند جریان «عبدالله بن عمر» و «عثمان بن مظعون» (پیشین، ج ۲۳، ص ۱۱۴-۱۱۵ و ج ۱۴، ص ۷۳-۷۵؛ پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۰۴-۱۰۳ و وحی و نبوت، ص ۱۴۰) و حدیث نبوی: «قطع ظهري اثنان: عالم متهتك و جاهل متنسك» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۰۶) گواهان دقیقی بر اهتمام پیامبر ﷺ به تعمیق معرفت اسلامی و آرایه و ابلاغ بینش عمیق دینی است تا اسلام عقلانی با عقل یویا و پایا پذیرفته شود و به همین دلیل همه تلاش‌های تبلیغی و دعوت‌های پیامبر اعظم به اسلام در این مسیر بود که اسلام چنان‌که هست فهمیده و درک گردد و سپس به باور قلبی و ایمان درونی تبدیل شود.

پیامبر ﷺ سیاهی‌لشگر از طرفداران و مریدان بدون معرفت و سطحی‌نگر در ساحت‌های مختلف دینی را نمی‌طلبید؛ از این رو اسلام را بر پایه‌های عقلانیت و معرفت، معنویت و تربیت، و قسط و عدالت تبلیغ و ترویج می‌نمود و این روحیه آزاد اندیشی، تفکر خلاق، به کارگیری عقل و دل، برهان‌طلبی بر اثبات و ابطال گزاره‌های دینی، برخورد عقلانی با پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و... عاملی در پیروزی پیامبر اعظم الهی و موفقیت او در ابلاغ پیام الهی به مردم بوده است...^۳ اهتمام به پاسخ‌گویی دقیق و عالمانه به پرسش‌ها و شبهات دوستان و دشمنان: از مؤلفه‌های موفقیت پیامبر الهی پرورش روح پرسش‌گری، سؤال‌گرایی عالمانه و معرفت‌جویانه در مردم مسلمانان و سپس جواب‌گویی مبتنی بر دلیل و برهان به سؤال‌ها و شبهات بوده است. در قرآن کریم به صحنه‌های مختلف مناظره پیامبر اکرم با دوستان و معاندان خود اشاره شده است. حضرت زمان ویژه‌ای را به آموزش درست معارف اسلامی و جواب دادن در نهایت تواضع و شرح صدر به پرسش‌های دیگران اختصاص می‌داد و نه تنها از طرح سؤال و شبهه ناراحت نمی‌شد بلکه با روی باز

از آن استقبال می‌کرد و خود را در معرض مردم، جوانان و حتی مخالفان خود قرار می‌داد تا مسایل خویش را با او در میان بگذارند. وی سؤال را کلید دانش و نیمی از علم و علم‌جویی را فریضه و معرفت را معیار فضیلت و عقل را سرمایه اصلی حیات انسان برمی‌شمرد و طالب علم را بسیار می‌ستود. (مجلسی، پیشین، ج ۷۴، ص ۱۴۶).

۴. **رأفت و مهربانی:** از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار و سرنوشت ساز موفقیت پیامبر اعظم در حاکمیت اسلام، رأفت و مهرورزی وی بود؛ چنان‌که قرآن کریم به صراحت آن را بیان فرمود: «فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران/۱۹۵) یعنی: پیامبر به موجب لطف و رحمت الهی با مسلمین و مردم با اخلاق بسیار ملایم و حسن خلق رفتار می‌کرد که اگر اخلاق خشن داشت مسلمانان از اطراف او پراکنده می‌شدند. به تعبیر استاد شهید مطهری: «مقصود این است که پیغمبر در مسایل فردی و شخصی نرم و ملایم بود نه در مسایل اصولی و کلی. در آن‌جا پیامبر صد در صد صلابت داشت؛ یعنی انعطاف‌ناپذیر بود. پیغمبر در سلوک فردی و در امور شخصی نرم و ملایم بود ولی در تعهدها و مسئولیت‌های اجتماعی نهایت درجه صلابت داشت... پیغمبر در مسایل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد، در حالی که در مسایل شخصی فوق العاده نرم و مهربان بود و فوق العاده عفو داشت و با گذشت بود، پس اینها با یک‌دیگر اشتباه نشود...» (مطهری، پیشین، ص ۱۷۴-۱۷۵).

پیامبر در مدیریت فرهنگی و تربیت دینی‌اش نرمش، جذابیت و خوش‌بودن را مبنا قرار داد و این اخلاق حسنه و خوش رفتاری او افراد زیادی را به اسلام متمایل ساخت و در این راستا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک الگوی کامل و اسوه سازنده است؛ (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۷؛ مرآة العقول، ج ۸، ص ۱۹۴؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۵ و منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸). چنان‌که گوستاو لوبون می‌نویسد: «درستی و خوش خلقی او شهرت بی سابقه‌ای در میان قریش برایش کسب کرده، به همین دلیل قریش لقب «امین» به آن حضرت دادند...» (گوستاولوبون، ص ۱۰۱).

۵. **برخورد شایسته با نسل جوان:** یکی از روش‌های تربیتی و تعلیمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعامل منطقی و ارتباط مثبت با نسل جوان جامعه خویش بود. روش برخورد او با جوانان، مهرورزانه و همراه با تکریم شخصیت و پرورش روحیه بزرگی و بزرگواری آنان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله منتظر نمی‌ماند تا آنها به سوی او بیایند بلکه خود با شوق و رغبت و نشاط به سوی آنها رفته به گفت‌وگو با آنان می‌نشست و سؤال‌های آنها را جواب داده و نگرانی‌هایشان را برطرف می‌ساخت. به طور کلی نوع برخورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نسل جوان عاملی مؤثر در گرایش جوانان و نوجوانان به اسلام عزیز شد. (مطهری، پیشین،

ج ۲۳، ص ۲۷۲ و ۵۹۱) و تاریخ نیز نشان داده است که اکثر یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را جوانان تشکیل می‌دادند و چنان شیفته اخلاق نبوی و جذب زیبایی‌های اسلام می‌شدند که در همه شرایط و اوضاع و احوال با پیامبر هم‌رأیی و همراهی می‌نمودند و اهل جهاد، اجتهاد و ایثار و نثار تا مرز شهادت بودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با جوانان مشورت کرده و در عرصه‌های مختلف به آنها میدان و مسئولیت می‌داد؛ برای نمونه، چه در عرصه فقهی و دینی، به معاذ بن جبل، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، به عتاب بن اسید و در جریان‌های نظامی و جنگی به اسامه بن زید مسئولیت داد. این تاکتیک و استراتژی منطقی و مدبرانه پیامبر اسلام در علم و عمل، باب جذب جوانان به اسلام و مسئولیت‌پذیری آنها را گشود. یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با گزینش روش عقلانی تبلیغی توانست با نسل جوان رابطه بسیار صمیمانه و دلسوزانه برقرار کرده و جوانان جامعه او را با تمام وجود باور نمایند و چون رابطه فرزند با پدر مهربان و آگاه و خردمند، اطراف او را گرفته و پروانه وار گرد شمع وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بگردند و حتی برخی از «شب زفاف» و حمله دامادی عزم میدان جنگ و آهنگ شهادت نمایند و سفیران فرهنگی - تبلیغی پیامبر و حافظان و حاملان قرآن و مجاهدان و مهاجران ناب اسلامی شوند. امثال مصعب، بلال، مقداد، ابودجانه، جعفر بن ابیطالب و... در سپاه و ستاد فرهنگی - سیاسی و نظامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فراوان به چشم می‌خوردند که با خلوص، صداقت، شجاعت و شهامت تمام پیامبر را یاری می‌رساندند.

۶. **طیبانه عمل کردن:** پیامبر آگاه و خردمند اسلام به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام «طیبانه» عمل می‌کرد. او در ابعاد عقیدتی - فکری، اخلاقی - تربیتی و احکام و شریعت، تعاملی طیبانه داشت نه حاکمانه و انتقام‌جویانه و خشونت طلبانه. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «طیب دوار بطبه، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه» (نهج البلاغه فیض الاسلام، خ ۱۰۷، ص ۳۲۱) پیامبر صلی الله علیه و آله با درک شرایط اجتماعی خویش و انحراف فکری و انحطاط اخلاقی آشکاری که در جامعه وجود داشت دردمندانه و مسئولیت‌شناسانه به سراغ انسان‌های منحرف فکری و اخلاقی یا «بیماران روحی و ذهنی» می‌رفت و مانند طبیبی حاذق به درمان درد و بیماری‌های فکری - رفتاری آنها می‌پرداخت و البته خود یک «اسوه عملی» برای آنان بود. اخلاق، افکار و افعال پیامبر که برای همه مردم و جوانان مشهود و معلوم بود سازنده و درمان‌کننده بود. امانت داری، صداقت ورزی، خردمندی، پاکی و طهارت اخلاقی - رفتاری، قضاوت و داوری عادلانه، زندگی زاهدانه و متعادل، مهربانی و تواضع، شرح صدر و شکیبایی و حلم و... همه و همه به طور کامل در شخصیت پیامبر اسلام متجلی بود و همه این اوصاف انسانی

و خصایص کریمانه داروهایی برای درمان دردها و نسخه‌های شفابخش بیماران جامعه محسوب می‌شد. طبیعی که با منطقی نیرومند، اخلاقی خوش و جذاب، سخنانی شیرین و دلنشین، سیمایی دل‌انگیز و طرب‌آور، دلسوزی و شفقت خالصانه و مهارتی بی‌نظیر با بیماران گوناگون بدون هیچ امتیاز دهمی و تبعیضی برخورد می‌کرد، در گسترش اسلام و تعمیق اندیشه دینی و ترویج ارزش‌های اسلامی موفق بود.

شهید مطهری درباره رهبری رسول اکرم (ص) می‌نویسد: «پیغمبر این نیروهای بسته را باز کرد، مدیریت اجتماعی یعنی این، رهبری یعنی این؛ مجهز کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کردن نیروها و در عین حال کنترل نیروها و در مجرای صحیح انداختن آنها، سامان دادن، سازمان بخشیدن و حرارت بخشیدن به آنها». (مطهری، پیشین، ج ۳، ص ۳۲۳).

۷. الگوی عملی کامل بودن: پیامبر اعظم تجسم قرآن کریم و تحقق عینی بینش‌ها و گرایش‌های اصیل اسلامی و ارزش‌های الهی بود؛ آن‌چه را که در «گفتار» مطرح می‌کرد قبلاً در «کردار» ظهور داشت و تنها به «زبان» دعوت به اسلام یا توحید و عدالت نمی‌کرد بلکه در عمل و کردارش توحید و عدالت تجلی یافته بود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱). به تعبیر استاد شهید مطهری: «وجود پیامبر کانونی است که ما از آن کانون باید [روش زندگانی را] استخراج کنیم. رفتار پیغمبر ما آن قدر عمیق است که از جزئی‌ترین کار پیغمبر می‌شود قوانین استخراج کرد. یک کار کوچک پیغمبر یک چراغ است، یک شعله است، یک نورافکن است برای انسان که تا مسافت‌های بسیار دور را نشان می‌دهد». (مطهری، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۸-۴۹).

پیامبر اکرم (ص) معروف‌گرایی و منکرگریزی به معنای جامع کلمه، از معروف و منکر عقیدتی - معرفتی تا معروف و منکر معنویتی - تربیتی و تا معروف و منکر احکامی و فقهاتی، همه و همه را در قول و فعل خویش به عینیت تبدیل کرد تا «فعل» پیامبر اکرم (ص) چون «قول» او و تقریر او (با توجه به شرایط و قراین) نیز چون فعلش حجیت داشته باشد.

حال اگر انسانی در مسیر هدایت و تربیت جامعه از «مدار انسانیت» خارج نشود، بلکه مدار انسانیت را با همه وجودش معنا نماید و مینا بخشد و الگوی کامل و اسوه حسنه‌ای برای حقایق و اخلاقیات الهی - انسانی باشد و آینه اسرار و معارف حق گردد، چنان نفوذی در دل‌ها پیدا می‌کند که عقل و دل انسان‌های بیدار و بینا را مجذوب خود می‌نماید.

در کنار حسن فاعلی و فعلی پیامبر اکرم (ص)، «حسن قابلی» یا ظرفیت و استعداد مخاطبین نیز

«شرط لازم» هدایت و کمال است؛ اما پیامبر اسلام در روش تبلیغی «اسلام» چنان عمل می‌کرد که هر انسان صاحب عقل و معنا را معطوف به خویش می‌ساخت مگر کسانی که از مسیر انسانیت و جاده فطرت خارج شده و قساوت پیدا کرده بودند. به همین دلیل «جاذبه‌های پیامبر» در زمان بسیار اندک توانست دل‌های انسان‌های بی شماری را در شرق و غرب عالم تسخیر نماید و متوجه اسلام کند. از این رو گسترش اسلام بیش از آن‌که مدیون شمشیر مجاهدان باشد مرهون محتوای فطرت‌پذیر و عقل‌پسند و اخلاق و رفتار الهی و انسانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یارانش است؛ گرچه «جهاد در راه خدا» و «انفاق فی سبیل الله» و صبر و مقاومت‌های مسلمانان تأثیر بسزایی در پیشرفت اسلام داشته است.

پیامبر در توحید و توجه به خدا، عدالت ورزی، زهد و عبادت، داشتن منطق محکم و متین، شیوایی در گفتار و فصاحت و بلاغت در تبلیغ اسلامی و به کارگیری روش‌های معقول و کارآمد آموزش دین یک «الگوی تمام عیار» بود و صداقت و خلوص، فروتنی و مهربانی، نگاه دلسوزانه و دردمندانه، یاور محرومین و مظلومین بودن، خوش خلقی و شرح صدرش نیز او را تابلوی نمایش همه زیبایی‌های علمی و عملی و جاذبه‌های نظری و عملی نموده بود.

پیامبر بر پرورش نیروهای بالقوه وجودی انسان‌ها و نمایاندن گنج‌های پنهان درون آدمیان اهتمام فراوان داشت تا انسان‌ها داشته‌های خویش را شناخته و آنها را شکوفا سازند (پیشین، ج ۲۲، ص ۵۶۳-۵۲۳) و در این مسیر از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد تا انسان از خود حقیقی تا خدا پرواز نماید و موانع درونی و برونی کمال وجودی‌اش را از بین ببرد و «فلسفه حیات» خود را بشناسد و از «حیات طبیعی» پلی به سوی «حیات طیبه» زده و در پرتو هدایت شریعت و وحی و شکوفایی عقل، قرب الی الله پیدا نماید. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله در حکمت علمی و عملی، عقل نظری و عملی، اخلاقی علمی و عینی، توحید معرفتی و سلوکی، «انسان کامل» و الگوی جامع بود و این «انسان کامل» «مکمل» نیز بود و در «به کمال رساندن» انسان‌های متعدد نیز موفق شد.

۸ داشتن یاران و اصحاب بصیر و صبور: اگرچه داشتن یارانی با ویژگی صبر، بصیرت، بیداری و پایداری خود نتیجه مکتب تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و امثال خدیجه رضی الله عنها، علی رضی الله عنه، حمزه، سلمان، ابوذر، مقداد و... در دامن پیامبر پرورش یافته‌اند و هدایت‌ها و حمایت‌های معرفتی - معنوی پیامبر عقل و دل آنها را شکوفا نموده و رشد داده است اما همین یاران در حمایت همه جانبه پیامبر تلاش‌های خالصانه و صبورانه‌ای انجام داده و در حقیقت، پیشرفت اسلام مدیون «ثروت خدیجه»، «جهاد علی رضی الله عنه» (پیشین، ج ۱۶، ص ۱۸۳-۱۸۰ و ج ۲۳، ص ۵۹۴-۵۹۳) و مقاومت و هشیاری امثال بلال حبشی، ابوذر غفاری، حمزه ابن عبدالمطلب و... بوده است (پیشین، ج ۱۶، ص ۶۴-۶۵ و ج ۲۳،

ص ۶۱۹-۵۷۷)؛ یارانی که در سفر و حضر و در جنگ و صلح، در خلوت و جلوت، در فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، تفسیر قرآن، مدیریت‌های اجتماعی - اجرایی و... دوش به دوش پیامبر انجام وظیفه کرده و سر از پا نمی‌شناختند؛ یارانی که وظیفه‌شناسی و وظیفه‌گرایی برای آنها اصالت داشت و مال، آبرو و جان خویش را در طبق اخلاص گذاشته و «اطاعت مطلق» و «ولایت پذیری» آنها در تاریخ ثبت و ضبط شده است و مرید و فدایی مخلص پیامبر اکرم (ص) بودند.

البته موضع علی (ع) در این بین و سربازی او در رکاب پیامبر اسلام از دوران غربت اسلام تا خوابیدن او در بستر پیامبر اکرم (ص)، حضور قاطع و سرنوشت‌ساز در جنگ و جهادهای اسلامی و... دارای موقعیت ممتاز و برجسته‌ای است که با یاران دیگر پیامبر قابل مقایسه نیست. مسئله «امامت و ولایت» او نیز امری کاملاً جداگانه خواهد بود. (پیشین، ج ۳، ص ۲۹۷-۲۹۴ و ۳۱۹-۳۲۱؛ ج ۴، ص ۸۵۵-۹۴۵ و ج ۲۳، ص ۵۰۴-۵۰۷).

به هر تقدیر، وجود یاران آگاه، مؤمن، اطاعت‌پذیر، مجاهد، شکیب و بردبار، تیزهوش و هوشمند، اهل ایثار و نثار و... در طول دوران بعثت و رسالت پیامبر (ص) امری بسیار تأثیرگذار در موفقیت وی نسبت به حاکمیت بخشی اسلام بوده است.

۹. عدالت خواهی و عدالت‌گستری پیامبر اکرم (ص): یکی از عوامل بسیار مؤثر در موفقیت پیامبر اکرم (ص) و به بیان دیگر، راز توفیق پیامبر در حاکمیت بخشی اسلام، «عدالت اجتماعی» بود. پیامبر (ص) از مکتبی سخن می‌گفت که فلسفه اجتماعی اش با «عدالت» گره خورده بود؛ از رسالتی صحبت می‌کرد که دو بعد تربیت نیروی انسانی کارآمد و الهی، و عدالت اجتماعی داشت؛ رسالتی که دو نیاز وجودی و فطری انسان، یعنی خداگرایی و خداپرستی و عدالت خواهی و عدالت‌گستری را پاسخ می‌داد.

پیامبر اعظم (ص) عدالت فکری، عدالت اخلاقی، عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، تربیتی و فرهنگی را اعلام، ابلاغ و اعمال می‌کرد. یعنی اسلامی که پیامبر (ص) آن را تبلیغ می‌کرد تنها دارای جنبه اخلاقی - تربیتی یا جنبه فکری و عقیدتی نبود بلکه آرمان و پیام اجتماعی مبتنی بر اصل «عدالت اجتماعی» داشت و «توحید» در کنار «عدالت»، و معنویت‌خواهی در طول عدالت محوری از اصول تبلیغی و تکنولوژی آموزشی دین و دین‌داری پیامبر اسلام (ص) بود.

بنابراین پیامبر فقط تعلیمات نظری و آرمانی ارائه نمی‌داد بلکه شرایط تحقق عدالت را فراهم و با موانع قسط و عدل اجتماعی مبارزه می‌کرد و در برابر فقر مادی و معنوی، شکاف‌های طبقاتی و تبعیض در خانواده و اجتماع بسیار حساس بود (پیشین، ج ۲۳، ص ۷۴۸-۷۴۳) و با اهتمام ویژه به امور مسلمین و عدالت‌ورزی در عرصه‌های مختلف توانست جامعه‌ای عدالت‌پسند و عدالت‌پذیر در سایه

شجره طیبه توحید و عبودیت الهی و اسلام جامع‌نگر و معتدل و شریعت فراگیر بسازد؛ از این رو در فردسازی و جامعه‌سازی الهی - توحیدی و عدالت محور موفق شد و در سیزده سال حضور در مکه (قبل از هجرت) و ده سال حضور در مدینه (پس از هجرت) پیوندی بین تکوین امت اسلامی و تشکیل حکومت دینی عدالت‌خواه ایجاد نمود و تابلویی از زیبایی‌های معارفی و معنوی در معرض دیدگان تشنه تربیت و عدالت قرار داد و همین «جامعه‌سازی» مبتنی بر عقلانیت، معنویت، عدالت و حریت درونی و برونی عامل فتوحات اسلامی و اسلام خواهی در ایران و بخش‌هایی از سرزمین روم شد.

بنابراین می‌توان جامعه اسلامی و «مدینه النبی»^ص را به صورت ذیل با ارکان چهارگانه نشان

داد:



پیامبر اعظم^ص خود «نمونه کامل» خردورزی، اخلاق محوری، عدالت گستره و آزادی خواهی به صورت جامع بود و همین روحیه «عدالت‌گرایی» و مجاهدت برای تحقق «عدالت اجتماعی» کلید موفقیت او و راز حاکمیت و گسترش موج اسلام خواهی بود.

۱۰. ترابط و تعامل مثبت و منطقی با ادیان و مذاهب عصر خود: از جمله رازهای موفقیت پیامبر اعظم^ص داشتن منطق کاملاً روشن در برخورد با جریان‌های اعتقادی - دینی و آئینی عصر خویش بود، زیرا حضرت از یک سو با بت و بت پرستی و کفر و شرک و نفاق در عقیده و عمل مبارزه فرهنگی - ایدئولوژیک و سیاسی و اجتماعی کرد. مثلث کفر، شرک و نفاق در طول دوران رسالت پیامبر^ص در برابر او قرار گرفت و از هیچ مبارزه‌ای در برابر «اسلام» و توحید و عدالت فروگذار نکرد.

۱- تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری، ص ۱۸۳-۱۰۴.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (مائده/۸۲). در جایی دیگر، استراتژی دشمن را اسلام ستیزی تا مرز اسلام‌زدایی معرفی می‌نماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا...» (بقره/۲۱۷). یا فرمود: «وَمَا تَقَمُّوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (بروج/۸).

در واقع، قرآن کریم بسیار دقیق و واقع‌گرایانه چهره دشمن را معرفی و «دشمن‌شناسی» کرده است و خط تقابل ایمان - کفر، توحید - شرک، و حق - باطل را در مراحل اولیه طرح و ترویج اسلام و سپس خط موازی ایمان - ایمان (ایمان نقابدارانه)، حق - حق (باطل لباس حق پوشیده یا حق - نفاق) و جریان تز موازی را به عنوان تاکتیک و روش مبارزاتی دشمن در مراحل بعدی گسترش اسلام تبیین نمود و «جریان نفاق» یا اسلام نقابدارانه بوسفیانی و اشرافیت و جهالت و جمادات را در مقابله با حق ناب و اسلام اصیل قرآنی - ولایی در نهایت ظرافت متذکر شد.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با چهره‌های متفاوت مثلث یاد شده رویارویی فرهنگی - سیاسی و نظامی داشت و با ادیان و مذاهب از روش دعوت به «کلمه توحید و توحید کلمه» و احتجاج و مناظره‌های عالمانه و تفکر و اندیشه ورزی آزاد استفاده می‌کرد. به تعبیر استاد شهید مطهری، از ویژگی‌های پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «داشتن جرئت یعنی خود را نباختن و استقامت داشتن» (مطهری، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۶۴) بود. او هم «وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب/۴۵) بود و هم «يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب/۳۹) و تبعیت از «قول احسن»، تابع برهان و عقل شدن، بازگشت به فطرت اولیه، حق‌شناسی و حق‌گروی، گرایش به معرفت و حکمت، داشتن منطق و فلسفه حیات معقول و طیبه و... از مبانی و مبادی یا اصول دعوت نبوی بود (پیشین، ص ۱۷۰-۱۳۵)؛ زیرا اسلام دارای منطق والا و فراگیری بود که در برخورد و رویارویی با فرهنگ‌ها، ادیان و مکاتب نه تنها مغلوب یا تضعیف نمی‌شد بلکه رازها و گوهرهای آن، عمیق‌تر و شفاف‌تر آشکار می‌شد و «حقانیت» آن اثبات می‌گردید؛ به همین دلیل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رابطه حسنه و تعامل سازنده‌ای با ملل و نحل و جریان‌های دینی - آئینی عصر بعثت داشت و رهبران ادیان و مذاهب یا نمایندگان جریان‌های فکری - مذهبی با او ملاقات کرده و مسایل خویش را طرح کرده و پاسخ می‌گرفتند که برخی از آنها به صورت کلان و کلی در قرآن تبیین و برخی نیز در تاریخ زندگی پیامبر اسلام ثبت شده است.

این کارکرد موفق در مورد فرهنگ و تمدن‌های دوران صدر اسلام به نوع راهبری و مدیریت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قوت و قدرت فکری - معرفتی اسلام، حقانیت نبوت و رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هدف‌داری و گزینش روش‌های منطقی در پیشبرد اسلام از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر می‌گردد. از این رو با مهربانی

توأم با برهان و منطق نظری و عملی ثابت، اخلاق سالم و سازنده تبلیغی، مسلمانان و حتی غیرمسلمانان را شیفته اسلام می‌نمود (پیشین، ص ۱۸۰-۱۷۵) و البته همه زیبایی‌های وجودی پیامبر مرهون «تأییدات الهی»، قابلیت و استعداد نبوی، مجاهدت و سلوک الهی و ملکوتی، خردورزی و هوشمندی، اخلاق حسنه یا مکارم و معالی اخلاقی پیامبر اسلام بود.

برای پیامبر دعوت به خدا نه خود، حاکمیت قوانین الهی نه رأی و نظر خویشتن، بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی و اقامه حدود و عدالت الهی مهم بود و نه هیچ چیز دیگر. و چنین پیام‌های عقلی و فطرت پسند و روش و رویکرد عملی پیامبر اسلام با دنیای عصر خود از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار در موفقیت و حاکمیت اسلام بود.

نتیجه‌گیری:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با درک درست از شرایط زمان و مکان، باور به پیام الهی و پیامبری و رسالتش، گزینش راه کارهای کارآمد و پویا، تدبیر و برنامه ریزی برای دستیابی به هدف الهی، صبر و بصیرت، شکر و شکیبایی، منطق اصول‌گرایانه علمی و عملی ثابت و روشن، اخلاق کریمانه و حسنه، مجاهدت و مهاجرت، وظیفه‌شناسی و وظیفه‌گروی، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی، برخورد با ریشه‌های انحراف و انحطاط عقیدتی و عملی، عقلانیت و عدالت، بیداری و پایداری در راه هدف، برخورد طبیعیانه با بیماران فکری - روحی، دعوت خالصانه، صادقانه و صریح به سوی خدا، ارزش‌گرایی در قول و فعل، ارایه شریعت آسان، جامع و فراگیر، داشتن یاران بصیر و مجاهد، تعامل مثبت با ادیان و آیین‌های عصر خویش، هدف قرار دادن عقل و دل یا فطرت انسان‌ها یا تلاش در بیدارسازی فطرت آدمیان، تحمل ملامت‌ها و ملالت‌ها در راه هدف عالی و توحیدی، مبارزه با تحریف، انحراف، ارتجاع، بدعت، خرافه، عوام‌زدگی، واپس‌گرایی در حوزه درک و درد دینی یا دین‌شناسی و دین‌داری، قرین‌سازی دانایی و دین‌داری به هم، و در پرتو تأییدهای الهی، در یک زمان بسیار کوتاه به رغم مشکلات و اشکالات فراوان محیط عملیاتی و مانع تراشی‌های فرهنگی - سیاسی و اجتماعی و حتی نظامی دشمنان توحید و عدالت، موفق گردید و اسلام را در پهنه روزگار و آفاق عصر و جغرافیای شرقی - غربی دوران خویش حاکم نمود.

در واقع روش و گرایش، کنش و واکنش، تدبیر و تلاش، معرفت و مجاهدت، و خلوص و صداقت پیامبر اسلام برای همه دین‌داران، به خصوص عالمان دینی و پرچم داران عرصه فرهنگ و سیاست، یک الگوی عینی و واقعیت‌پذیر و آئینه راه‌نما و تابلویی از جاذبه‌های محتوایی و قالبی اسلام عزیز

خواهد بود تا در عصر غیبت امام زمان (عج) و عصر تهاجم فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها و در عین حال «تبادل» و «تعامل» فرهنگ و تمدن‌ها و گفتمان ادیان با هم، اسلام قرآنی - اهل بیتهی که سرمایه سعادت و دل مایه کمال و خوشبختی و موفقیت است حاکم گردد که: «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه» (نهج الفصاحه، ص ۲۱۴، ح ۱۰۵۶) و «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...» (صف/۹).

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن هشام، سیره ابن هشام.
- ۴- روحانی، سعید، تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (معاونت امور اساتید)، قم، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۷۸ ش.
- ۵- طبرسی، حسن بن فضل، منتهی الآمال، تحقیق علاء آل جعفر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ج ۱، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- طوسی، محمدین حسن، امالی، مؤسسة البعثة، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۷- قمی، شیخ عباس، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات زهراء (عج)، بی تا.
- ۸- گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و غرب.
- ۹- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ج ۲ و ۳، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۰- مجلسی، محمدتقی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول ﷺ، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۱- محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۵۹ ش.
- ۱۳- _____، خاتمیت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۴- _____، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ج ۲، ۳، ۴، ۱۶، ۲۲ و ۲۳، ۱۳۷۸ ش.

